

به نام خدا

جزوه درس حقوق اساسی

دکتر خسروی



انتشار: بانک مقالات حقوقی نشر عدالت

www.nashreedalat.ir

تاریخچه

امت مسلمان و نستوه ایران پس از سالها مبارزه در جهت محو تمامی مظاهر شرک و کفر، بالاخره در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به رهبری زعیم فقید حضرت آیه ال... العظمی امام خمینی (ره) رژیم طاغوت را سرنگون و حکومت اسلامی را مستقر کرد. و می رود تا با هدایت های معنوی آن روح بزرگ و بهره مندی از تاثیرات حضرت حق و تحت رهبری های ولی امر مسلمین حضرت آیه ال... العظمی خامنه ای حاکمیت جهانی اسلام را مهیا کند.

پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی به منظور فراهم آمدن زمینه های عملی مناسب جهت حاکمیت اسلام در تمامی شئون مملکت تدوین قانون اساسی به گونه ای مبین بنیادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول مکتب و اسلام باشد و رسالت خود را در عینیت بخشیدن به زمینه های ذهنی نهضت و ایجاد جامعه ای مبتنی بر قسط و عدل اسلامی به حد کمال بر عهده گیرد، ضرورت داشت. ملت آگاه علی رغم مخالفتها، کارشکنی ها و زمزمه های شوم والقائات شیطانی سر سپردگان شرق و غرب در مورد نام مجلس، تعداد نمایندگان، زمان تشکیل اصول لازم جهت تدوین و بسیاری از این گونه ترفندها و وسایل با پیروی از امام با کمال قدرت ایستاد و سرانجام با گزینش خبرگانی آگاه و متعهد از میان امت، مجلس خبرگان تحت عنوان مجلس بررسی قانون اساسی در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۸ با عضویت هفتاد و دو نماینده افتتاح گردید. این مجلس که با عضویت تعداد کثیری از اسلام شناسان و یاران با وفای امام و امت تشکیل گردید در مدتی بیش از سه ماه موفق به تدوین و تنظیم قانون اساسی شد. و سرانجام در روزهای یازدهم و دوازدهم آذرماه ۱۳۵۸ به تصویب امام و امت رسید و رسمیت یافت.

گفتار اول

تعریف قانون اساسی

اصطلاح (قانون اساسی) که معادل واژه Constitutionall می باشد، یک ترکیب وصفی است، مرکب از قانون اساسی، لفظ قانون عرب از واژه یونانی Kanon است. ضمن معانی متعدد دیگر به روش و دستور و اصل هر چیز تعبیر شده است و در اصطلاح دانشمندان قانون با ضابطه کلی گفته می شود که بر افرادی منطبق و حکم همه آن افراد از آن ضابطه شناخته می شود لفظ قانون معمولا به یک سلسله حقوق و تکالیفی هم اطلاق می گردد.

انسان موجودی است اجتماعی و مدنی بالطبع خواسته هایش تنها در طرف جامعه تامین می شود. او به جهت نیازهایش ناگزیر از زندگی در کنار دیگران و داشتن ارتباط با آنها است و برای تنظیم این روابط و ارتباطات و تعیین حدود و مرزهای آن به نحوی که منافع و مصالح افراد در برابر یکدیگر تامین شود، نیازمند به وجود قواعد و موازینی، موسوم به قانون می باشد. اما چون قانون به تنهایی کافی نیست و افراد در رابطه با یکدیگر از حقوق خود پا را فراتر می گذارند و به حقوق دیگران تجاوز میکنند لذا به منظور صیانت افراد در برابر یکدیگر و تامین حوائج و احتیاجاتی که تدارک آنها از حدود توانایی افراد خارج است، دستگاهی به نام (حکومت) به وجود می آید که افراد در برابر آن حقوق و تکالیفی دارند و او هم در مقابل افراد حقوق و وظایف متقابلی بر عهده دارد. بر اساس همین تحلیل است که ضرورت حکومت و وجود دولت مقتدری که بتواند نظم را در جامعه مستقر سازد، توجیه و تبیین می گردد. اما در عین حال همین حکومت مقتدر ممکن است با قدرت نامحدودی که کسب کرده، خود به آزادی افراد لطمه زند، لذا بشر برای رفع این نگرانی به فکر وضع و تدوین قوانینی به نام قانون اساسی افتاد که بتواند به وسیله آن هم دستگاه حکومت را کنترل کند و نگذارد که پا از حدود خود فراتر گذارد و از قدرتی که به عنوان (امانتی مقدس) به دست او سپرده شده است، سوء استفاده نماید و هم مردم وظایف خود را بشناسد و از حدود خود تجاوز نکنند. حال با مقدمه کوتاهی که بیان شد ضرورت و تعریف قانون اساسی تا حدودی مشخص گردید.

گفتار دوم

محتوای قانون اساسی ایران

محتوای قانون اساسی ایران شامل قسمتهای ذیل است:

الف) مقدمه یا اعلامیه حقوق: در این قسمت مسایلی تحت عنوان مقدمه یا اعلامیه حقوق وجود دارد را شامل اصول کلی هدفها و آرمانها است که الهام بخش قانونگذار عادی مجلس است. و درباره عناوین خاص همچون طلیعه نهضت، شیوه حکومت در اسلام، ولایت فقیه عادل اقتصاد وسیله است نه هدف، زن در قانون اساسی، ارتش مکتبی، قضا در قانون اساسی قوه مجریه و وسایل ارتباط جمعی و غیره مطالبی کلی بیان نموده است.

ب) قانون اساسی به معنی اخص کلمه:

این قسمت از قانون اساسی شامل احکام حقوقی است که ضمانت اجرا دارد و لازم الاجرا می باشد هدف این قسمت تعیین و بیان قواعد کلی سازمان سیاسی آقوه و نحوه اجرای آن قواعد و مکانیسم پیاده شدن و تحقق آن است. چنانکه این قسمت از قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران (بعد از اصلاحات) چنین است و از ۱۴ فصل مشتمل بر ۱۷۷ اصل تشکیل می یابد.

ج) موخره یا خاتمه قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای یک قسمت خاتمه نیز می باشد که مشتمل بر آیات و روایات است و به عنوان قسمتی از مبانی قانون اساسی در نصوص اسلامی (قرآن- حدیث) می باشد. این قسمت از قانون اساسی بیانگر دلیل مشروعیت و مکتبی بودن احکام و مقررات اسلامی قانون اساسی است.

گفتار سوم

تمایزات قانون اساسی با سایر مقررات و قوانین

کشورهایی که دارای قانون اساسی مدون و مکتوب هستند. این دسته از مقرراتشان با سایر قوانین از چند جهت عمده متفاوت و متمایز است که اختصاراً وجوه تمایز آنها در ذیل بیان می گردد.

الف) از جهت وضع و تصویب:

معمولاً قانون اساسی با تشریفات سنگین تر و بیشتری از قوانین عادی وضع و تصویب می گردد چنانکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مضاعف (خبرگان- رفراندوم) تدوین و تصویب شد و حال آنکه قوانین عادی فقط از طریق پارلمان (مجلس شورای اسلامی) وضع و تصویب می گردد.

ب) از لحاظ شرح و تفسیر

در کشور ما تفسیر و شرح قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب ۳/۴ اعضای آن انجام می شود (اصل ۹۸) حال آنکه مجمع صالح برای شرح و تفسیر قوانین عادی مجلس شورای اسلامی است (اصل ۷۳) با عنایت به دو اصل مذکور مشخص می شود که شرح و تفسیر قانون اساسی به لحاظ تشریفات و مجمع تفسیر و شرح آن تابع تشریفات خاص می باشد و با تفسیر قوانین عادی متمایز می باشد.

ج) از لحاظ لغو و تهذیب و تفسیر یا تجدید نظر و بازنگری:

اصولاً قانون اساسی کمتر از قوانین دیگر دستخوش تغییر و تبدیل و یا نسخ و ابطال قرار می گیرد و اگر کشوری هم مسئله بازنگری و تجدید نظر، در مقررات قانون اساسی خود را بپذیرد، در این مورد تشریفات سنگینی را وضع می کند چنانکه در نظام جمهوری اسلامی ایران بازنگری قانون اساسی مقررات ویژه ای عملی است (فصل ۱۴)

د) از جهت تبعیت و مطابقت قوانین با یکدیگر:

قانون اساسی در راس هرم مقررات و قوانین موضوعه کشوری قرار دارد و مقررات پایین تر از آن مثل قوانین عادی و احکام و نظامنامه های قوه نباید به نحو آن را نقض یا با آنها مغایر باشد که در صورت تشخیص عدم انطباق یا مغایرت با قانون اساسی به تشخیص مراجع صالح همچون شورای نگهبان در کشور ما آن دسته از مقررات از درجه اعتبار و قانونیت ساقط می گردد.

گفتار چهارم

ویژه گیهای قانون اساسی

از آنجا که قانون اساسی سند مهم حقوقی و سیاسی یک نظام تلقی می گردد به عنوان منبع مهم و همیشه قابل ارجاع و با ضمانت اجرای قوی حقوقی اساسی معرفی شده است، برای تنظیم و تدوین و حتی نحوه نگارش آن ضوابط و معیارهایی را بیان نموده اند که اختصاراً به چند خصیصه مهم آن اشاره می شود،

الف) قانون اساسی می بایست از عقیده و مرام و ارزشهای خاص جامعه خود الهام بگیرد و متناسب با فرهنگ و نیازمندیهای جامعه خویش باشد.

ب) ابتکاری و غیر تقلیدی بودن قانون اساسی یک کشور از خصایص بارز اعتبار قانون تلقی میگردد.

و می بایست به سوی فرهنگ و متخصصان و خبرگان کشور خود روی آورند و از آنان برای تدوین مقررات کمک بگیرند.

ج) قانون اساسی به امور جزئی نپردازد که در غیر این صورت آن را از حالت بنیادی و چهار چوبی خارج می سازد. در واقع قانون اساسی حتی الامکان باید به امور ثابت انسانیت بپردازد.

و امور تفسیر را به قوانین عادی واگذار کند.

قانون اساسی مشروطیت یک قانون اساسی بود که بیشتر به مسایلی پرداخته بود که آن را شبیه به یک آیین نامه داخلی مجلس نموده بود.

ج) قانون تک متنی و چند متنی

تصمیم دیگری از قوانین اساسی به عمل آمده است که مبنای آن، تعداد اسناد تشکیل دهنده قانون اساسی است بدین معنی که اگر قانون اساسی مشتمل بر یک سند باشد بعنوان قانون اساسی یک متنی خوانده می شود چنان که قانون اساسی جمهوری ایران چنین است. و اگر قانون اساسی یک کشور را چند متن مستقل و مجزا از هم تشکیل دهد به تعداد اسناد تشکیل دهنده، قانون اساسی هم متن متعددی خواهد داشت بنابراین اگر دو متن یا سه متن جدا قانون اساسی را بوجود آورند به ترتیب قانون اساسی دو متنی یا سه متنی به وجود می آید همچون قانون اساسی مشروطیت که دو متنی بود و شامل یک متن اصلی و یک متن متمم بود.

د) قانون اساسی از لحاظ تعیین مرجع صالح برای تشخیص مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی و ابطال و جلوگیری از اجرای آنها به قانون اساسی صریح، غیر صریح و ساکت تقسیم می گردد:

۱- قانون اساسی صریح

در پاره ای از قوانین بصراحت تکلیف قوانین معارض با قانون اساسی مشخص شده است و اختیار اتخاذ تصمیم در این زمینه را یا به دادگاهها و قوه قضاییه داده اند و یا آنها را از این عمل منع کرده اند و یا اینکه این اختیار را به نهادی که از خود قوه مقننه است واگذار ساخته اند. در کشور چین اختیاری به شورای نگهبان برابر نمونه سوم داده شده است.

۲- قانون اساسی غیر صریح

در بعضی از کشورها قانون اساسی در زمینه منع یا دادن اجازه به دستگاههای مربوط جهت اقدام در خصوص مقررات مغایر با قانون اساسی از حیث ابطال یا عدم اجرای آنها صراحتی ندارد ولی مع الوصف در عمل قوه قضاییه این صلاحیت را دارد که قانون عادی متناقض با قانون اساسی را ملغی الاثر اعلام دارد.

همانند رویه مرسوم در ایالات متحده آمریکای شمالی

۳- قانون اساسی ساکت

در بعضی از کشورها مسئله تجدید نظر در آن دسته از مصوبات قوه مقننه را که مغایر با قانون اساسی باشد را از طریق دستگاههای ذی صلاحیت از جمله قوه قضاییه مسکوت گذاشته اند. ولی عقیده رایج در این کشورها این است که محاکم اصولاً نمی توانند در این خصوص اقدامی کنند.

خصایص و ویژه گی های نظام جمهوری اسلامی ایران

به موجب اصل اول قانون اساسی ایران نظام سیاسی حاکم در ایران جمهوری اسلامی است که جمهوری بیانگر شکل نظام است و اسلام نشانگر محتوای آن می باشد. به طور کلی یکی از شکلهای متداول و رایج نظام های سیاسی شکل جمهوری است که در مقابل شکل سلطنتی قرار دارد.

نکته ای که ذکر آن مهم است این است که چون جمهوری اسلامی خواست و متکی بر اعتقاد و آرمان الهی سیاسی ملت ایران بوده است. و تایید مکتب و مراجع عالی مقام از جمله مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیه ال... العظمی امام خمینی (ره) را پشتوانه دارد، پس تا زمانی که مردم پای بند به مکتب و ارزشهای آن باشند، نظام جمهوری اسلامی هم مقبولیت خویش را دارد. و آیندگان به بهانه این که نظام، خواست آباء و اجدادشان بوده است، حق تغییر و یا تجدید نظر در آن را ندارند چنانکه قسمت پایان اصل یکصد و هفتاد و هفت قانون اساسی چنین اعلام می کند:

محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام..... و جمهوری بودن حکومت تغییر ناپذیر است.

بنابر این نظام سیاسی ایران یعنی جمهوری اسلامی، نظامی است که هم متکی بر خواست و آرا است و هم با اصول مکتب سازگار است به عبارت دیگر خواست و آرا ملت تبعیت از اراده الهی و ارزشهای مکتب نموده است. و با این بیان، هم عنصر مشروعیت و هم رکن مقبولیت در این نظام محقق است که در ذیل به توضیح بیشتر آن می پردازیم.

الف) خصائص و ویژگیهای بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران
نظام جمهوری اسلامی ایران دارای دو بعد و پایه اساسی است. پایه اول حاکمیت خدا و پایه دوم حاکمیت مردم

۱- حاکمیت خدا یا مشروعیت نظام:

اولین رکن و عنصر ضروری هر نظام سیاسی، آن است که نظام واجد مشروعیت و حقانیت باشد. در نظام اسلامی ایران این اعتقاد وجود دارد که حاکمیت به خدا اختصاص دارد. چنانکه اصل پنجاه و ششم قانون اساسی نیز چنین اعلام می دارد: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است) بنابر این در نظام سیاسی ایران مصدر مشروعیت نظام خداست و حق حاکمیت به او اختصاص دارد.

۲- حاکمیت مردم یا مقبولیت نظام

حاکمیت مردم که در طول حاکمیت الهی است بدین معنی می باشد که مردم حاکمیت خود را از خدا می گیرد و تحقق حاکمیت مردم در یک نظام سیاسی مبین مقبولیت نظام است. چنانکه اصل ۵۶ مقرر می دارد: و هم او (خدا) انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.....)

اصول قانون اساسی نحوه تحقق حاکمیت مردم را در دو مرحله وضع قانون و اجرای آن پیش بینی نموده است. در مرحله وضع قانون از طریق انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی (اصل ۶) و شرکت در هم پرسی (اصل ۵۹) شرکت در شورای اسلامی و انتخاب اعضای آنها که به موجب اصل هفتم قانون اساسی می باشد محقق می شود.

ب) ویژگیها و خصائص شکلی نظام جمهوری اسلامی ایران

۱- خط و زبان:

به موجب اصل پانزدهم قانون اساسی زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و کلیه اسناد و مکاتبات و متون و مکتب درسی به این زبان نوشته میشود. و همچنین به جهت فهم بیشتر معارف اسلامی و علوم قرآنی و نزدیکی زبان فارسی به عربی این زبان (عربی) پس از پایان تحصیلات ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه سطوح تدریس می شود.

۲- تاریخ:

مبدا تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اسلام است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است .

اما مبنای کار دولتی هجری شمسی است. (اصل ۷ ۱) به دلیل اهمیت سیاسی هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه که به موجب آن اسلام توانست به صورت نظام سیاسی نیز جلوه گر شود و حضرت محمد (ص) در مدینه برای اولین بار دولت و حکومت اسلامی را در شکل متناسب خود مستقر و مسلمانان را از صورت جامعه ای تنها مذهبی به جامعه ای کامل و فراگیر تبدیل نمود این هجرت مبدا تاریخ کشورهای اسلامی قرار گرفته است.

۳- تعطیل رسمی

تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است. (اصل ۱۷) جمعه یکی از چهار عید رسمی اسلامی و مذهب جعفری اثنی عشری است سه عید دیگر عید قربان - عید فطر و عید غدیر است.

۴- پرچم رسمی کشور:

بر اساس اصل ۱۸۱ ق.ا. پرچم رسمی ایران به رنگهای سفید، سبز و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است. رنگهای سه گانه پرچم رسمی ایران هر کدام بیانگر مظهری است چنانکه رنگ سبز نشانه سیادت، رنگ سفید نشانه صلح و رنگ قرمز نشانه شهادت است.

مقررات مربوط به رهبری قانون اساسی

قانون اساسی، ضمن اختصاص فصلی مستقل از فصول چهارده گانه خود به رهبری یعنی فصل هشتم که مشتمل برشش اصل می باشد در ضمن فصلهای دیگر خود نیز اصول متعدد دیگری را به موضوع رهبری و اختیارات و وظایف او اختصاص داده است که از آن جمله اصول ۵، ۵۷، ۶۰، ۱۱۳، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷ است.



بانک مقالات حقوقی **نشریه عدالت**



www.nashreedalat.ir

در نظام جمهوری اسلامی ایران برای تعیین رهبر طی دو مرحله ذیل ضروری است.

مرحله نخست، مرحله دارا بودن شرایط و صفات رهبری:

این شرایط و صفات که در واقع شرایط ثبوتی نیز تلقی می گردد، طبق اصل پنجم و اصل یکصد و نهم قانون اساسی بدو دسته تقسیم می شوند:

الف) شرایط و صفات دینی که عبارتند از فقاہت که عبارتست از صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلفه فقه و یا به تعبیر اصل ۵ قانون اساسی و عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.

ب) شرایط و صفات سیاسی که عبارتست از بینش صحیح سیاسی و اجتماعی و یا به تعبیر اصل پنجم آگاهی به زمان تدبیر (مدبر بودن) شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری بنا بر این به موجب اصل فوق الذکر واجدین شرایط وارد مرحله دوم می شوند تا از میان آنان فردی به عنوان رهبر انتخاب و تعیین شود.

مرحله دوم، مرحله انتخاب توسط مجلس خبرگان رهبری

به موجب اصل ۱۰۷ق.اساسی پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبرکبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیه ال... العظمی خمینی (قدس سره) که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است ...

نحوه و مکانسیم عمل مجلس خبرگان برای تعیین رهبری و ارائه همان اصل آمده که کیفیت آن بیان خواهد شد.



کیفیت انتخاب رهبری توسط مجلس خبرگان

ابتدا خبرگان درباره همه فقهای واجد شرایط بررسی و مشورت می کنند. در صورت تعدد واجدین شرایط، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قویتر باشد، برای انتخاب بر دیگران مقدم است و اگر از این لحاظ واجدین شرایط هم سطح و همطراز باشند، قانون ملاکهای دیگری را برای تقدم و نهایتا انتخاب رهبری تعیین نموده است که عبارتند از:

دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات و شرایط رهبری باشد مثلاً عدل یا اشجع یا قدرت مدیریت بیشتری داشته باشد. و اگر هیچکدام از ملاکهای مورد بحث برای ترجیح و مقدم داشتن فردی جهت تصدی امر رهبری قابل اعمال نبود و از این جهت تقدم و برتری وجود نداشت در این صورت مجلس خبرگان رهبری یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند.

اصل ۱۰۷ قانون اساسی در این مورد چنین می گوید: خبرگان رهبری درباره همه فقها واجد شرایط مذکور در اصل پنجم و ۱۰۹ بررسی و مشورت می کنند هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی واجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل ۱۰۹ تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی واجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل ۱۰۹ تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسوولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت.

مبحث دوم نحوه برکناری رهبر

بر اساس اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط مذکور در اصول پنجم بوده است از مقام خود برکنار خواهد شد.

برای عزل رهبر همچون تعیین رهبر طی دو مرحله ضرورت دارد:

مرحله اول: تحقق یکی از شرایط و دلایل عزل که عبارتند از:

۱- عجز و ناتوانی رهبر از ایفای وظایف قانونی خود

۲- فقدان یکی از شرایط رهبری

۳- معلوم شود رهبری از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است.

مرحله دوم: تشخیص و تاثیر تحقق یکی از شرایط عزل

طبق اصل یکصد و یازدهم تشخیص این امر به عهده خبرگان رهبری می باشد بنابر این تا زمانی که مجلس خبرگان تشخیص ندهد، رهبری در مقام خود باقی است و صرف ادعای شخصی یا گروهی کفایت نمی کند.

بحث سوم- نحوه کناره گیری یا استعفای رهبر

در خصوص اینکه آیا رهبر می تواند از مقام خود کناره گیری کند و در صورت اقدام لازم است که درخواست استعفا نماید و در صورت ضرورت تقاضا، این درخواست از چه مرجعی باید صورت بگیرد و اینکه آیا لزوم موافقت آن مرجع با درخواست استعفا شرط است؟ از مواردی است که حکم آن را از مقررات قانون اساسی نمی توان استخراج نمود و شاید که به کمک عرف و مثنی عملی یا تفسیر قانونی یا وضع مقررات بتوان رفع

اجمال نمود به هر حال با توجه به مطلبی که در اصل یکصد و یازدهم آمده است و می گوید (....در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر) می توان گفت که رهبر میتواند استعفا دهد و ظاهرا مرجع تسلیم استفا مجلس خبرگان رهبری می باشد.

مبحث چهارم - شورای موقت رهبری

در این خصوص اصل یکصد و یازدهم می گوید: در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام کنند تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده گرفته و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند ایفای وظیفه نماید فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها، در شورا به جای وی منصوب می گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمتهای د، ه، و بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب ۳/۴ اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می کند هرگاه بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتا از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده دار خواهد بود.

موجبات تشکیل شورای موقت رهبری:

الف - فوت رهبر

ب - کناره گیری (استعفا رهبر)

ج - بر کناری (عزل) رهبر

د - بیماری رهبر

و - حادثه ای که موجب شود رهبر موقتا از ایفای وظایف خود ناتوان شود

اعضای شورای موقت رهبری

این اعضا عبارتند از: رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه، یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام و در صورتی که در مدت تصدی شواری مزبور یکی از افراد موفق به هر دلیل نتواند وظیفه خویش را انجام دهد، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها، در شورا به جای وی منصوب می گردد.

وظایف شورای موقت رهبری

شورای مزبور همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می گیرد و درخصوص وظایف ذیل پس از تصویب ۳/۴ اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می کند:

- تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

- فرمان همه پرسی

- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها

- عزل رییس جمهور، نصب و عزل و قبول استعفای رییس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی

مدت شورای موقت رهبری:

مدت تصدی مزبور تا تعیین و معرفی رهبر جدید خواهد بود که خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به آن اقدام نمایند البته در صورتی که شورای مزبور به دلیل بیابری رهبر یا حادثه ای که موجب شود رهبر موقتا از ایفای وظایفش ناتوان شود، مدت تصدی شورای مزبور، تا رفع بیماری و حادثه خواهد بود.

مبحث پنجم وظایف و اختیارات رهبر:

به موجب اصل یکصد و نهم و سایر اصول قانون اساسی، رهبری وظایف و اختیاراتی بعهده دارد که می توان به طور کلی آنها را به سه دسته مهم تقسیم کرد.

الف- وظایف و اختیاراتی که در رابطه با مجموعه نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد و به بخش و دستگاه بخصوصی یا قوه خاصی از قوای سه گانه مربوط نمی باشد که بدین قرارند:

۱- تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام

۲- نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام

۳- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه

۴- حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام .

ب- وظایف و اختیاراتی که نسبت به قوای سه گانه بر عهده دارد که به تفکیک عبارتند از

۱- وظایف و اختیارات رهبر در رابطه با قوه مجریه :

قوه مجریه خود نیز به دو بخش متمایز از هم تفکیک می گردد: بخش اداری و بخش نظامی که اختیارات رهبر در بخش اداری بدین شرح است:

- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایط که در قانون اساسی می آید در دوره اول به تایید رهبری باید برسد.

- عزل رییس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم

- موافقت با استعفای رییس جمهور (اصل یکصد و سی و یک ق.ا)

- موافقت با جانشین معاون اول رییس جمهور به جای وی در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رییس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رییس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده است و یا امور دیگری از قبیل (اصل یکصد و سی و یک ق.ا)

و یا انتخاب فرد دیگری به جای رییس جمهور در صورتی که رییس جمهور معاون اول نداشته باشد و یا معاون اول فوت کند و یا امور دیگری که مانع ایفای وظایف می گردد.

۲- اختیارات و وظایف رهبری در بخش نظام قوه مجریه:

- فرمانده کل نیروهای مسلح

- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها

- تعیین دو نماینده در شورای عالی امنیت ملی و تایید مصوبات آن شورا تا قابلیت اجرا پیدا کند.

عزل و نصب و قبول استعفای مقامات ذیل:

۱- رئیس ستاد مشترک

۲- فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۳- فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی

۳- وظایف و اختیارات رهبری در قوه قضاییه

- نصب و عزل و قبول استعفای عالیترین مقام قوه قضاییه

۱- عضو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد و رئیس قوه قضاییه

ج) وظایف و اختیارات رهبری درباره نهادهای قانونی مندرج در قانون اساسی:

۱- مجمع تشخیص مصلحت

مقام رهبری پیرامون نهاد فوق این اختیارات را برعهده دارد:

- پیشنهاد اصلاح یا تقسیم قانون اساسی به شورای بازنگری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت

- تعیین ده عضو شورای بازنگری

۳- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی

مقام رهبری اختیار عزل و نصب و قبول استعفای رئیس سازمان صدا و سیما را بر عهده دارند.

مطالعه مقررات مربوط به قوه مقننه در قانون اساسی

بخش نخست: کلیات، مبحث اول - اهمیت قوه مقننه:

بر اساس اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی یکی از قوای سه گانه حاکم در جمهوری اسلامی ایران قوه مقننه می باشد که زیر نظر ولایت مطلقه فقیه به وظایف خود عمل می کند. این نهاد یکی از ارکان بسیار مهم کشور است که متکفل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مظهر قدرت و حکومت مردم و تبلور اراده ملت و مصداق خارجی

جمهوریت است و هر قوه دیگر در حقیقت هر کدام به نحوی مجری مصوبات آن هستند اهمیت این قوه، از این جهت است که حفظ حیثیت و آبروی ملی و شئون سیاسی و اجتماعی ملت به دست او سپرده شده است. و علاوه بر آنکه مرکز قانونگذاری کشور می باشد، بر صلاحیت مجریان امور نیز نظارت دارد و پاسدار حقوق ملت و مدافع منافع آنان هست. در نتیجه انتظارات و توقعات مردم از آن در قوه دیگر بیشتر است.

مبحث دوم- نحوه و طرق اعمال قوه مقننه (شیوه های تقنین)

حاکمیت تقنینی در جمهوری اسلامی به دو شیوه ذیل اجرا می شود:

الف- شیوه غیر مستقیم تصویب قوانین (قانونگذاری مع الوسطه)

در این شیوه مردم به طور غیر مستقیم و از طریق نمایندگان و منتخبین خویش که در محلی به نام پارلمان یا مجلس جمع می شوند و به تنظیم و تصویب قوانین می پردازند. شیوه غیر مستقیم قانونگذاری که با استفاده از ابزار (انتخابات) عمل می گردد، در جوامع و کشورهای اجرا می گردد که شکل حکومت آنها (جمهوری مع الوسطه) می باشد و به عبارت دیگر، اگر اجرای دموکراسی و حاکمیت ملت به شیوه نیابتی و غیر خالص یا دو درجه ای و غیر مستقیم باشد، تنها نمایندگان ملتند که امور تقنینی و اجرایی را متکفل می گردند.

امروزه در اکثر کشورها، این پارلمان است که امر قانونگذاری را بعهده دارد. اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی در این زمینه مقرر می دارد: اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می آید برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می گردد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، با اینکه این شیوه طریق معمولی وضع قوانین است، اما در کنار آن در موارد استثنایی شیوه دومی هم وجود دارد که ذیلا مورد بحث قرار می گیرد:

ب- شیوه مستقیم قانونگذاری (بلاواسطه)

در این شیوه نظرات مردم مستقیم نسبت به تصویب اخذ می شود که با ابزار همه پرسی (رفراندوم) و مراجعه به آرا عمومی عملی می گردد. روش فوق در کشورهای اعمال می گردد که شکل حکومت آنها جمهوری بلاواسطه است، به عبارت دیگر، اجرا دموکراسی و حاکمیت ملت به شیوه مباشرتی و خالصی یا یکدرجه ای و مستقیم می باشد و وجه ممیز چنین کشورهایی اینست که فاقد تشکیلاتی به نام پارلمان می باشند. در نظام جمهوری اسلامی ایران، اجرای شیوه مزبور در موارد استثنایی و با شرایط خاصی است. اصل پنجاه و نهم قانون اساسی در این زمینه مقرر می دارد:

در مسائل بسیار مهم اقتصادی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرا مردم صورت گیرد درخواست مراجعه به آرا عمومی باید به تصویب ۳/۴ مجموع نمایندگان مجلس برسد.

نکته قابل ذکر این است که قوه مقننه برای استفاده از این شیوه (همه پرسی) الزامی ندارد بلکه مختار است و دلیل آن هم علاوت ممکن است مندرج در اصل ۵۹ ق. ۱ می باشد.

بحث سوم- ارکان قوه مقننه:

قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران دارای دو رکن مهم به شرح ذیل می باشد:

الف- مجلس شورای اسلامی که متشکل از دویست و هفتاد نفر از نمایندگان ملت می باشد.

ب- شورای نگهبان که متشکل از دوازده عضو، عضو فقیه عادل و ۶ عضو حقوقدان مسلمان می باشد.

بخش دوم- سازمان قوه مقننه:

از جمله مباحث قابل طرح و بحث در رابطه با پارلمان و قوه مقننه این است که سازمان قوه مقننه متشکل از چند مجلس می باشد. کشورها، شکل واحدی برای سازمان قوه مقننه خود ندارند، بنابر این پارلمان کشورها به حسب عده مجالس تشکیل دهنده آنها به دو سیستم بزرگ و عمده تقسیم می شوند. سیستم تک مجلسی و سیستم دویاچند مجلسی. در کشور ما سیستم نخست پذیرفته شده است و سازمان این قوه را مجلس شورای اسلامی تشکیل می دهد.

مبحث اول- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی:

عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است که از این رقم پنج تن آنان نمایندگان اقلیتهای مذهبی هستند. یک تن از کلیمیان، یک تن از زرتشتیان و سه تن از مسیحیان که یک تن نماینده آشوریان و کلدانیان و یک تن نماینده مسیحیان ارمنی جنوب و یک تن هم نماینده مسیحیان ارمنی شمال. (اصل ۶۴)

مبحث دوم- نحوه افزایش تعداد نمایندگان

رقم تعداد نمایندگان همیشه ثابت در عدد ۲۷۰ نخواهد ماند و در صورتی که نیاز به افزایش تعداد نمایندگان باشد، پس از هر ده سال از تاریخ همه پرسی ۱۳۶۸ ه.ش با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظیر آنها حداکثر تا بیست نفر نماینده می تواند اضافه شود. (اصل ۶۴)

مبحث سوم- انواع جلسات مجلس شورای اسلامی

نشست روزانه مجلس را (جلسه) می‌گویند تشکیل جلسات مجلس در محلی مخصوص و با رعایت قواعد و انتظامات مصوب خود مجلس است و نمی‌تواند به طور پراکنده و غیر منظم باشد. به موجب مقررات قانون اساسی مجلس شورای اسلامی دارای دو نوع جلسه است:

الف- جلسه علنی: گزارش کار کامل این نوع جلسات از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر می‌شود (اصل ۶۹) و حضور تماشاچی و نمایندگان رسانه‌های گروهی در این جلسات بلامانع است.

ب- جلسه غیر علنی: گزارشها و مصوبات این نوع جلسات، پس از هر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر می‌گردد. جلسه غیر علنی با شرایطی به شرح زیر تشکیل می‌شود:

۱- در شرایط اضطراری و در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، این نوع جلسه تشکیل می‌شود.

۲- تشکیل این نوع جلسه باید به تقاضای رییس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان باشد.

لازم به تذکر است که اعتبار مصوبات جلسات غیر علنی مجلس منوط به رعایت دو شرط ذیل است:

۱- تشکیل جلسه غیر علنی با حضور شورای نگهبان باشد.

۲- مصوبه جلسه غیر علنی به تصویب ۲/۴ مجموع نمایندگان برسد. (اصل ۶۹)

مبحث چهارم- انواع اجلاس مجلس شورای اسلامی:

دوره اجلاس مدت زمانی از سال است که جلسات پارلمانی، بدون وقفه مطابق آیین نامه داخلی تشکیل و مجلس به وظایف قانونی خود می‌پردازد. به عبارت دیگر نشست سالانه مجلس یا مدت زمانی که بین رسمیت مجلس و اولین دوره تعطیل که بیست الی سی روز بطول می‌انجامد- قرار دارد یک دوره اجلاس نامیده می‌شود.

در بعضی از قوانین اساسی شروع دوره اجلاس به طور منجز پیش بینی گردیده است. در کشور ما، با توجه به مقررات آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و قانون اساسی دو نوع اجلاس برای مجلس مقرر شده است:

۱- اجلاس عادی

۲- اجلاس فوق العاده

تبصره ماده ۱۶۴ آیین نامه داخلی مجلس مقرر می‌دارد:

در صورت ضرورت رییس مجلس می تواند با تفصای عده ای از نمایندگان مجلس که تعداد آنها نباید کمتر از پنجاه نفر باشد یا درخواست دولت، در اوقات تعطیل، با ذکر دلیل مجلس را به طور فوری العاده دعوت به انعقاد نمایند.

مبحث پنجم - هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی

اداره داخلی پارلمان بر عهده رئیس مجلس و هیئت رئیسه مجلس می باشد، به موجب اصل ۶۴ ق.ا ترتیب انتخاب رئیس و هیئت رئیسه مجلس و دوره تصدی آنها به وسیله آیین نامه داخلی مجلس معین می گردد. آیین نامه داخلی سه نوع هیئت رئیسه پیش بینی کرده است که مختصراً درباره آن بحث می شود.

۱- هیئت رئیسه سنی:

تعداد آن چهار نفر است با این ترتیب، دو نفر از میان مسن ترین افراد نمایندگان به عنوان رئیس و دو نفر از میان جوانترین افراد نمایندگان به عنوان منشیان و وظیفه هیئت رئیسه مزبور، اداره جلسه افتتاحیه، بر پای داشتن مراسم تحلیف و انتخابات هیئت رئیسه موقت می باشد

۲- هیئت رئیسه موقت:

تعداد این هیئت ریسه دوازده نفره است. با این ترکیب یک تن رئیس، دو نفر نایب رییس، شش نفر منشی و سه نفر کارپرداز. هیئت ریسه مزبور تا زمان انتخاب هیئت ریسه دائم که بعد از تصویب اعتبار نامه دو سوم نمایندگان خواهد بود، اداره مجلس را بعهده دارد.

۳- هیئت رئیسه دائم:

تعداد و ترکیب آن همان تعداد و ترکیب هیئت رئیسه موقت می باشد که به مدت یکسال و با رای نمایندگان انتخاب می گردند. و اداره جلسات مجلس و سایر وظایف محوله را بر عهده دارند.

شورای نگهبان

همانطور که در مقدمه قانون اساسی آمده است. ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت های ایران در صده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است، که بقا و دوام این ویژگی و خصوصیت بارز که قانون اساسی با ایجاد نهادی در دستگاه قانونگذاری کشور به نام شورای نگهبان تضمین نموده است تا با الهام از نهاد دیگری بنام نهاد رهبری از رسمیت یافتن و قانونیت یافتن مقرراتی که مخالف احکام اسلامی و قانون اساسی باشد، جلوگیری به عمل آورد.

خصوصیات شورای نگهبان

الف) تعداد و ترکیب اعضا شورا:

شورای نگهبان خود نیز به دوشورای گوناگون تقسیم می شود، شورای اختصاصی، فقیهان که شش تن هستند و از طرف مقام رهبری منصوب میشوند و شورای عمومی که مرکب از شورای فقیهان و شش تن از اعضای حقوقدان می باشد.

ب) شرایط اعضای شورا

شش عضو فقهای شورای نگهبان باید از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز باشند و شش نفر دیگر از حقوقدانان در رشته های مختلف حقوقی که باید مسلمان باشند.

ج) نحوه انتخاب اعضای شورای نگهبان

انتخاب شش نفر عضو فقیه با مقام رهبری است. همچنین به موجب بند ۶ اصل یکصد و دهم ق. ۱ عزل و قبول استعفای فقهای شورای نگهبان نیز از جمله اختیارات رهبری است تعیین اعضای گروه حقوقدان شورای نگهبان از میان حقوقدانان مسلمانی است که بوسیله رییس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی میشوند و با رای مجلس انتخاب می گردند.

د) دوره شورای نگهبان

اعضای شورای نگهبان برای مدت ۶ سال انتخاب میشوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن ۳ سال نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می یابند و اعضای تازه ای به جای آنها انتخاب می شوند

وظایف شورای نگهبان

۱- تشخیص عدم مغایرت یا انطباق مصوبات مجلس با احکام اسلام که بر عهده فقها می باشد. (شش نفر)

۲- تشخیص عدم مغایرت یا انطباق مصوبات مجلس با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان (هفت نفر)

۳- مهلت اظهار نظر شورای نگهبان برای مصوبات مجلس:

۱-۳ در موارد عادی: ده روز از تاریخ وصول مصوبه و حداکثر تا ده روز دیگر در صورتی که ده روز اولیه کافی نباشد.

۲-۳ در موارد فوری: بلافاصله یا حداکثر ۲۴ ساعت بعد (اصل ۹۷ ق. ۱ ماده ۸۶ آیین نامه داخلی)

۳-۳ در مورد مصوبات جلسات غیر علنی: در دو مورد فوق (عادی یا فوری) همان مهلت

اعمال خواهد شد.

یافتن و قانونیت یافتن مقرراتی که مخالف احکام اسلامی و قانون اساسی باشد، جلوگیری به عمل آورد

خصوصیات شورای نگهبان

الف) تعداد و ترکیب اعضا شورا:

شورای نگهبان خود نیز به دو شورای کوناگون تقسیم می شود، شورای اختصاصی فقیهان که شش تن هستند و از طرف مقام رهبری منصوب میشوند و شورای عمومی که مرکب از شورای فقیهان و شش تن از اعضای حقوقدان می باشد.

ب) شرایط اعضای شورا

شش عضو فقهای شورای نگهبان باید از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز باشند و شش نفر دیگر از حقوقدانان در رشته های مختلف حقوقی که باید مسلمان باشند.

ج) نحوه انتخاب اعضای شورای نگهبان

انتخاب شش نفر عضو فقیه با مقام رهبری است. همچنین به موجب بند ۶ اصل ۱۰۰، یکصد و دهم ق. ا عزل و قبول استعفاء، فقهاء، شورای نگهبان نیز از جمله اختیارات رهبری است تعیین اعضای گروه حقوقدان شورای نگهبان از میان حقوقدانان مسلمانی است که بوسیله رییس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی میشوند و با رای مجلس انتخاب می گردند.

د) دوره شورای نگهبان

اعضای شورای نگهبان برای مدت ۶ سال انتخاب میشوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن ۳ سال نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می یابند و اعضای تازه ای به جای آنها انتخاب می شوند.



بانک مقالات حقوقی شریعت



www.nashreedalat.ir

وظایف شورای نگهبان

- ۱- تشخیص عدم مغایرت یا انطباق مصوبات مجلس با احکام اسلام که بر عهده فقها می باشد. (شش نفر)
- ۲- تشخیص عدم مغایرت یا انطباق مصوبات مجلس با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان (هفت نفر)
- ۳- مهلت اظهار نظر شورای نگهبان برای مصوبات مجلس:
 - ۱-۳ در موارد عادی: ده روز از تاریخ وصول مصوبه و حداکثر تا ده روز دیگر در صورتی که ده روز اولیه کافی نباشد.
 - ۲-۳ در موارد فوری: بلافاصله یا حداکثر ۲۴ ساعت بعد (اصل ۹۷ ق.ا ماده ۸۶ آیین نامه داخلی)
 - ۳-۳ در مورد مصوبات جلسات غیر علنی: در دو مورد فوق (عادی یا فوری) همان مهلت اعمال خواهد شد.
 - ۴- وظیفه دیگر شورای نگهبان به موجب اصل ۹۸ ق.ا تفسیر قانون اساسی است.
 - ۵- تایید صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری از حیث واجد شرایط قانونی بودن (اصل ۱۱۰)
 - ۶- نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرا عمومی و همه پرسی نیز مطابق اصل ۹۹ ق.ا بر عهده شورای نگهبان است.
 - ۷- حضور الزامی در مجلس شورای اسلامی به هنگام ادای سوگند ریاست جمهوری (اصل ۱۲۱) و به هنگام مذاکرات و تصمیم گیری نسبت به لوایح و طرحهای فوری (اصل ۹۷) و حضور الزامی در جلسات غیر علنی مجلس برای اعتبار یافتن مصوبات احتمالا سری مجلس (اصل ۶۹)
 - ۸- لزوم تاثیر توقف انتخابات در زمان جنگ و اشغال نظامی در تمامی کشور یا نقاط اشغال شده برای مدت معینی (اصل ۶۸)
 - ۹- اظهار نظر نسبت به مصوبات موقت و آزمایشی کمیسیونهای مجلس (اصول ۹۶، ۸۵، ۷۲)
 - ۱۰- تشخیص عدم مغایرت مصوبات دولت با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی (اصل ۸۵)

به طور کلی بودجه عبارت است از پیش بینی هزینه و درآمد یکساله کشور به موجب قانون محاسبات عمومی: بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یکسال مالی تهیه و حاوی پیش بینی درآمدها و سایر منابع تامین درآمد و اعتبار و برآمد هزینه ها برای انجام عملیاتی که منجر به وصول به هدفهای دولت می شود بوده و از سه قسمت تشکیل می شود.

۱- بودجه عمومی دولت که شامل اجزای زیر است:

الف- بودجه عادی برای وزارتخانه ها و موسسات دولتی، این بودجه شامل اعتباراتی نیز خواهد بود که مستقیماً مربوط به وظایف یک وزارتخانه یا موسسه دولتی نیست و تحت عنوان خاصی منظور می گردد.

ب) بودجه عمرانی برای اجرای برنامه عمرانی

۲- بودجه شرکتهای دولتی

۳- بودجه موسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می شود.

اصول تنظیم بودجه

برای تنظیم بودجه رعایت اصول ذیل الزامی است:

۱- اصل سالانه بودن بودجه: ماده یک قانون محاسبات عمومی می گوید:

بودجه کل کشور برنامه های دولت است.... برای یک سال مالی....)

۲- اصل تعادل بودجه: بدین معنی که تعادل در هزینه و درآمد باشد به نحوی که نه کسری بودجه داشته باشد تا باعث فشار تورمی شود و نه افزایش بودجه تا باعث افزایش قدرت خرید جامعه گردد.

۳- اصل تقدم درآمد بر هزینه: درآمد مقدم بر هزینه است. در بودجه نویسی ابتدا باید مقدار درآمد را برآورد کرد و بعد هزینه ها را مشخص ساخت.

۴- اصل وحدت بودجه: بدین معنی که تمام فعالیتها و طرح ها برنامه های دولت در بودجه منعکس گردد و بودجه نشان دهنده همه درآمدها و هزینه ها باشد.

۵- اصل شمولیت بودجه: یا تفصیل بودجه عبارت است از این که صورت ریز و تفصیلی بودجه تهیه شود و به طور کلی و با ارقام درشت تنظیم نگردد.

۶- اصل کاملیت بودجه: بدین صورت که هر سازمانی درآمد و هزینه اش به طور کامل و جدا از هم در محل خود قرار گیرد.

- اصل تخصیص بودجه: عبارت است از اینکه هر اعتباری برای هزینه ای که پیش بینی شده تخصیص یابد.

- اصل تخصیص بودجه: این اصل بیانگر آن است که تنظیم بودجه با روشنی و وضوح کامل صورت گیرد به نحوی که همه از آن یک مطلب بفهمند.

قوله مجریه

مبحث اول- نحوه تعیین و انتخاب رییس جمهور

بر اساس مقررات قانون اساسی برای تصدی ریاست جمهوری لازم است، سه مرحله ذیل طی شود:

مرحله اول- مرحله قبل از شرکت در انتخابات

این مرحله نیز خود به دو مرحله تقسیم می شود:

الف) مرحله لزوم و اعلام رسمی داوطلبی و نامزد شدن (کاندید شدن)

شخصی که می خواهد در انتخابات ریاست جمهوری برای انتخاب شدن شرکت کند، باید پیش از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام دارد (اصل ۱۱۶) چنین شخصی باید صفات و شرایط لازم ریاست جمهوری را دارا باشد. این شرایط و صفات به موجب اصل ۱۱۵ به شرح زیر است:

۱- از رجال مذهبی و سیاسی باشد

۲- ایرانی الاصل باشد

۳- تابع ایران باشد

۴- مدیر و مدبر باشد

۵- دارای حسن سابقه و امانت و تقوی باشد

۶- مومن و معتقد به مذهب رسمی کشور یعنی شیعه جعفری اثنی عشری باشد

۷- مومن و معتقد به مذهب رسمی کشور یعنی شیعه جعفری اثنی عشری باشد.

ب- مرجع رسیدگی به صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری

بر اساس بند ۹ اصل ۱۱۰ ق. ا صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از حیث دارا بودن شرایط قانونی، باید قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان و در دوره اول به تایید رهبری برسد. بنابراین این وقتی فرم رسیدگی پر شده توسط داوطلبان ریاست جمهوری که از طریق وزارت کشور و نهادهای ذیربط صورت می گیرد به دست شورای نگهبان رسید، شورای مزبور نسبت به صلاحیت آنان رسیدگی و اعلام نظر می کند. بنابراین این صرف دارا بودن

شرایط مندرج در اصل ۱۱۵ق. ۱ برای شرکت در انتخابات کافی نیست (شرایط ثبوتی) بلکه باید به اثبات هم برسد که با تایید شورای نگهبان صورت می گیرد (شرایط اثباتی)

مرحله دوم- مرحله شرکت در انتخابات ریاست جمهوری

۱- اصول و روش انتخابات ریاست جمهوری

از اصول مهم انتخابات ریاست جمهوری اصل اکثریتی بودن انتخابات می باشد که در اصل ۱۱۷ق. ۱ پیش بینی شده است.

اصل دیگر انتخابات ریاست جمهوری، اصل مستقیم بودن انتخابات است. منظور از مستقیم بودن یا یک درجه ای بودن آن است که مردم بدون واسطه رییس جمهور خود را از میان کاندیداهای اعلام شده انتخابات می کنند. اصل یکصد و چهارم قانون اساسی مقرر می دارد:

(رییس جمهور.... با رای مستقیم مردم انتخاب می شود. نحوه برگزاری انتخابات را قانون معین می کند (اصل ۱۱۶)

۲- زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و نظارت بر آن:

مطابق اصل نود و نهم ق. ۱ شورای نگهبان مسول نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری می باشد، لکن قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر انجمن نظارتی است که قانون معین می کند. (اصل ۱۱۸)

زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات رییس جمهور باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی باشد. در فاصله انتخاب رییس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رییس جمهور پیشین وظایف ریاست جمهوری را انجام می دهد. (اصل ۱۱۹)

۳- تاخیر با تمدید مهلت انتخابات ریاست جمهوری:

هرگاه در فاصله ده روز پیش از رای گیری، یا در فاصله دور نخست و دور دوم یکی از نامزدهایی که صلاحیت او توسط شورای نگهبان احراز شده یا یکی از دو نفر حایز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می شود. (۱۲۰ق ۱۰)

مرحله سوم- مرحله بعد از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری

برای تصدی مقام ریاست جمهوری تنها گذر از مرحله اول و دوم کافی نیست بلکه باید مرحله دیگری طی میشود تا رییس جمهور بتواند قانونا به وظایف خود عمل کند. گذارندن مرحله مزبور جهت رسمی شدن مقام ریاست جمهوری لازم می باشد که عبارتند از:

۱- امضای حکم ریاست جمهوری:

امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخابات مردم از جمله اختیارات رهبری می باشد را در بند ۱۹ اصل یکصد و ده قانون اساسی بدان اشاره شده است.

۲- ادای سوگند در مجلس شورای اسلامی

رییس جمهور پس از امضای حکمش در جلسه ای که با حضور رییس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان در مجلس شورای اسلامی تشکیل می شود باید حضور یابد و سوگند ادا کند و پس از آن متن سوگند نامه امضا نماید.

مبحث دوم- دوره ریاست جمهوری

رییس جمهور برای مدت چهار سال انتخاب می شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است (اصل ۱۱۴) بنابر این مدت زمانی که یک شخص می تواند به طور پی در پی متصدی مقام ریاست جمهوری شود، فقط هشت سال خواهد بود و حق شرکت در انتخابات دوره بعدی را که متصل به دو دوره قبلی باشد ندارد.

دلیل ایجاد چنین قاعده ای این است که قدرت اجرایی، متمایل به فساد و تباهی و ظلم آخرین است. حاکمیت، بیشتر در قالب قوه مجریه تجلی پیدا می کند از این روست که عملکرد قوه مجریه شاخص دیکتاتوری و عدالت خواهی و دموکراسی است. همواره هدف اصلی سیاستمداران قدرت طلب، اشغال مقام اجرایی و از طریق آن دست اندازی به قوای دیگر حاکم است. بنابر این برای اینکه قدرت اجرایی به انحراف کشیده نشود و مورد کنترل قرار گیرد، لذا با شیوه های مختلفی او را مورد کنترل قرار می دهند که یک شیوه هم کنترل زمانی است. بدین معنا که دوره ریاست را محدود سازند و امکان اشغال پست ریاست جمهوری را در ادوار مختلف سلب کنند، زیرا که قوه مجریه به دلیل حساسیت وظایف و قدرتی که برای انجام دادن مسوولیت های خود در اختیار دارد، همواره در معرفی دیکتاتوری و سوءاستفاده از قدرت و با لایحه در آستانه فساد و تمرکز قدرت قرار دارد. به همین دلیل انتخابات رییس جمهور واحد را به صورت متوالی تنها برای یک دوره، قانون بلامانع اعلام نموده است. تا از این طریق یک قاعده کنترل کننده قدرت ایجاد کند. بدیهی است تنها مقامی را مشمول چنین قاعده و حکمی است، فقط مقام اجرایی آن هم شخص رییس جمهور می باشد. و سایر مقامات اعم از قاضی و قضایی چنین نیستند.

مبحث سوم - مسئولیت رییس جمهور

۱- مسئولیت سیاسی: به موجب اصل ۱۲۲ ق ۴ رییس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی را به موجب قانون اساسی ویا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است) همچنین به موجب اصل ۱۳۴ ق. (ا) رییس جمهور در برابر مجلس مسول اقدامات هیئت وزیران است) بنابر این به موجب دو اصل مزبور، رییس جمهور در برابر مجلس هم پاسخگوی اعلام^{اصول} خویش و هم مسول اقدامات هیئت وزیران میباشد و مجلس می تواند او را از دوجت فوق مورد سوال و استیضاح قرار دهد.

۲- مسئولیت جزایی رییس جمهور

هرگاه شخص رییس جمهور، متهم به ارتکاب جرمی از جرایم عادی مثل ارتشاء و اختلاس و نظایر آن شود مسئولیت کیفری دارد و مصون از تعقیب دستگاه قضایی نیست. بلکه به اتهام او همچون سایر افراد عادی رسیدگی می شود. واین رسیدگی با اطلاع مجلس شورای اسلامی و در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می گیرد. از جمله دلایل مطلع ساختن مجلس این است که مبدا قوه قضاییه به بهانه های واهی معترض قوه مجریه ویا شخص رییس جمهور گردد و او را از انجام دادن مسولیتهايش باز دارد لذا قانونگذار خواسته است که مجلس از جریان امر مطلع باشد.

در صورتی که رییس جمهور به سبب اعمال و اقداماتش ضرر و زیان به عمد یا بر اثر بی احتیاطی به دولت و یا اشخاص ثالث وارد آورد، مسئول جبران خسارت می باشد. این نوع مسئولیت که به مسئولیت مدنی تعبیر میگردد در قانون اساسی پیش بینی نشده است ولی به موجب اصول وقواعد کلی از جمله (اصل مساوات عموم در برابر قانون) که به موجب اصل یکصد و هفتم و بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی پیش بینی شده امری مسلم و حتمی است.

مبحث چهارم - وظایف و اختیارات رییس جمهور

۱- تعیین معاونان- رییس جمهور می تواند برای انجام دادن وظایف قانونی خود، معاونانی داشته باشد.(اصل یکصد و بیست و چهارم ق.ا)

۲- عزل و نصب وزراء

رییس جمهور در عزل و زرا اختیار کامل دارد و می تواند آنها را عزل کند(اصل ۱۳۶) وی برای نصب استقلال کامل ندارد بلکه اصل ۱۳۳ ق.ا می گوید:

(وزرا توسط رییس جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می شوند)

- ۳- تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه های بدون وزیر:
بر اساس اصل ۱۳۵ق.ا. (رییس جمهور می تواند برای وزارتخانه هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید)
- ۴- اخذ استعفای هیئت وزیران یا هر یک از وزرا
در صورتی که هیئت وزیران هر یک از وزرا بخواهند از مقام خود کناره گیری کنند، باید استعفا دهند استعفا نامه خود را به رییس جمهور تسلیم نمایند. البته در صورتی که هیات وزیران استعفا دهند تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. (اصل ۱۳۵ق.ا.)
- ۵- تعیین نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص
از جمله اختیارات رییس جمهور این است که می تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین کند. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رییس جمهور و هیات وزیران خواهد بود. (اصل ۱۲۷ق.ا.)
- ۶- مسولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی
رییس جمهور مسولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد. (اصل ۱۲۶)
- ۷- تعیین سفیران و امضا و پذیرش استوارنامه آنها
سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رییس جمهور تعیین می شوند. همچنین رییس جمهور استوار نامه سفیران را امضا می کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می پذیرد. (اصل ۱۲۸ق.ا.)
- ۸- امضای مصوبات مجلس و یا نتیجه همه پرسی
بر اساس اصل ۱۲۳ق.ا. (رییس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسولان بگذارد.
- همچنین به موجب ماده یک قانون مدنی (مصوبات مجلس شورای اسلامی به رییس جمهور ابلاغ و رییس جمهور باید ظرف ۵ روز آن را امضا و به دولت ابلاغ نموده و دولت موظف است ظرف مدت ۴۸ ساعت آن را منتشر نماید)
- در صورت استنکاف رییس جمهور از امضا یا ابلاغ به دولت در مهلت مقرر دولت موظف است، مصوبه یا نتیجه همه پرسی را پس از انقضای مدت مذکور ظرف ۴۸ ساعت منتشر نماید.

۹- امضای عهد نامه ها، مقوله نامه هاو ...

امضای عهد نامه ها، مقوله نامه ها، موافقت نامه ها و قرار دادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای عهدنامه ها، مقوله نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رییس جمهور یا نماینده قانونی اوست. (اصل ۱۲۵ق.ا)

۱۰- تایید مصوبات کمیسیونهای دولت

اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی می گوید: (...مصوبات این کمیسیونها در محدوده قوانین پس از تایید رییس جمهور لازم الاجرا است.)

۱۱- حضور در مجلس شورای اسلامی

به موجب اصل هفتادم (مجلس و معاونان او... حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند.)

۱۲- پیشنهاد توقف انتخابات در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور

به موجب اصل ۶۸ ق.ا (زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رییس جمهور ... انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معین متوقف می شود...)

۱۳- اعطای نشان های دولتی

اعطای نشانهای دولتی با رییس جمهور است. (اصل ۱۲۹ق.ا)

مبحث پنجم - نحوه کناره گیری رییس جمهور

۱- از جمله اصلاحاتی که در قانون اساسی صورت گرفت تعیین حکم و کیفیت کناره گیری رییس جمهور است.

اصل یکصد و سی ام قانون اساسی در این مورد می گوید: رییس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می دهد. به موجب اصل فوق رییس جمهور برای کناره گیری از مقام خود باید تقاضای استعفای خود را به مقام رهبری تسلیم کند که ممکن است یکی از دو حالت زیر رخ دهد:

حالت اول- استعفا مورد پذیرش واقع نمی شود: در این صورت رییس جمهور باید به انجام وظایف خود ادامه دهد.

حالت دوم - استعفا مورد قبول واقع گردد: در این صورت اگر رییس جمهور معاون اول داشته باشد نامبرده با موافقت رهبری وظایف رییس جمهور را بر عهده می گیرد و در غیر این صورت رهبری فرد دیگری را به جای رییس جمهور تعیین می کند تا رییس جمهور جدید انتخاب گردد.

مبحث ششم - طریقه عزل رییس جمهور

دو شیوه برای عزل رییس جمهور در نظر گرفته شده است:

۱- شیوه قضایی: در این شیوه مقام پیشنهاد دهنده عزل، دستگاه قضایی که دیوان عالی کشور است، می باشد. این نهاد قضایی با صدور حکم مبنی بر تخلف رییس جمهور از وظایف قانونیش، عزل او را از مقام رهبری در خواست می کند و مقام رهبری با در نظر گرفتن مصالح کشور اقدام به عزل می نماید.

۲- شیوه سیاسی: در این شیوه مقام پیشنهاد دهنده عزل مجلس شورای اسلامی است که از طریق استیضاح رییس جمهور می تواند را به عدم کفایت می دهد. بند ۱۲ اصل هشتاد و نهم قانون اساسی مقرر می دارد: در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رییس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رییس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسایل مطرح شده توضیحات کافی بدهد در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رییس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رییس جمهور رای دادند، مراتب جهت اجرای بند ۱۰ اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می رسد.

بنابر اصل فوق، برای اینکه بتوان از طریق استیضاح عزل رییس جمهور را به مقام رهبری پیشنهاد کرد، باید دو امر ذیل صورت گیرد:

الف) تقاضا یا طرح استیضاح

ب) رای گیری را جمع به عدم کفایت رییس جمهور

اجرای عدالت یکی از آرمانها و آرزوهای دیرین جامعه بشری است. منظور از اجرای عدالت، یعنی حل اختلاف و منازعات افراد با یکدیگر با دولت بر طبق قوانین مصوب. این وظیفه خطیر بر عهده قوه قضاییه گذاشته شده است که قوه ای مستقل و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

مبحث اول- قوه قضاییه و وظایف

به موجب اصل یکصد و پنجاه و ششم وظایف قوه قضاییه عبارت است از:

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور ~~قضاییه~~، که قانون معین می کند.
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین:
- ۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعذیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

مبحث دوم- سازمان و تشکیلات قوه قضاییه

بند ۱- رییس قوه قضاییه: در راس سازمان و تشکیلات این قوه شخصی به عنوان رییس قضاییه قرار دارد که عالیتترین مقام این قوه است.

الف) نحوه تعیین رییس قوه قضاییه: از جمله وظایف و اختیارات مقام رهبری عزل و نصب و قبول استعفای رییس قوه قضاییه است که به موجب اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی برای مدت پنج سال و به منظور انجام دادن مسولیتهای قوه قضاییه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی تعیین می شود.

ب)- شرایط ریاست قوه قضاییه: فردی که به عنوان ریاست این قوه تعیین میشود و عالیتترین مقام قوه قضاییه تلقی می گردد. بر اساس اصل ۱۵۷ ق.ا. باید واجد شرایط ذیل باشد:

۱- مجتهد عادل باشد

۲- آگاه به امور قضایی باشد

۳- مدیر و مدبر باشد

(ج) وظایف رییس قوه قضاییه

- ۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیتهای اصل یکصد و پنجاه و ششم
- ۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی
- ۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و توابع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.
- ۴- نصب رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل، با مشورت قضات دیوان عالی کشور برای مدت پنج سال
- ۵- پیشنهاد وزیر دادگستری به رییس جمهور
- ۶- تعیین ضوابط برای تشکیل دیوان عالی کشور
- ۷- دیوان عدالت اداری زیر نظر رییس قوه قضاییه می باشد
- ۸- سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رییس قوه قضاییه است.

بند ۲- محاکم و دادرها

به موجب اصل شصت و یکم (اعمال قوه قضاییه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد. در راس تشکیلات دادگستری دادگاه و دادرهای دیوان عالی کشور قرار دارد که دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور بالاترین مقام آنها هستند.

به موجب مقررات قانون اساسی دو نوع محکمه برای رسیدگی به جرایم وجود دارد که ابتدا در کنار هر محکمه ای دادرایی نیز هست:

الف) محاکم و دادرهای عمومی که به جرایم عمومی رسیدگی می کند

ب) محاکم و دادرهای نظامی: (اصل ۱۷۲)

به موجب اصل یکصد و هفتاد و دوم (برای رسیدگی به جرایم و مربوطاً به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می شود.

دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

ذکر دو نوع محکمه فوق در قانون اساسی دلیل بر حصر محاکم به دودسته عمومی و نظامی نیست بلکه به موجب اصل یکصد و پنجاه و نهم واصل یکصد و پنجاه و هشتم می توان تشکیلات لازم یا دادگاههای دیگری به موجب قانون ایجاد نمود. چنانکه در حال حاضر دادگاهها و دادرهای انقلاب نیز در کنار سایر تشکیلات قوه قضاییه وجود دارد.

بند ۳- وزیر دادگستری

به موجب اصل یکصد و شصتم: (وزیر دادگستری مسولیت کلیه مسایل مربوط به روابط قوه قضاییه و قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رییس قوه قضاییه به رییس جمهور پیشنهاد می کند، انتخاب می گردد. رییس قوه قضاییه میتواند اختیارات تام عالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به عنوان عالیترین مقام اجرایی پیش بینی می شود.

بند ۴- قضات (دادرسان)

۱- نحوه انتخاب قاضی: در نظام جمهوری اسلامی ایران، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها از وظایف رییس قوه قضاییه است. صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می شود.

۲- وظیفه قاضی: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدون بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدون از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. (اصل ۱۶۷ ق.ا)

همچنین قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند، و هر کسی می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. (اصل ۱۷۷ ق.ا)

الف- استقلال قاضی: به موجب اصل یکصد و شصت و چهارم: قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دایم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رییس قوه قضاییه پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل، نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد.

ب- حمایت از قاضی: به موجب اصل یکصد و هفتاد و یکم: هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا تطبیق حکم بر مورد خاصی، ضرر مالی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن اوست در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد. بنابر این اصل فوق، جبران خسارت ناشی از اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص در صورتی که مقصر نباشد، به وسیله دولت است.

بند ۵- دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور

به منظور رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین دولتی، واحدهای دولتی و آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رییس قوه قضاییه تاسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند. (اصل ۱۷۳) همچنین براساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام (سازمان بازرسی کل کشور) زیر نظر قوه قضاییه تشکیل می گردد

بند ۶- اصول و قواعد حاکم بر امور قضایی در نظام جمهوری اسلامی ایران

اصل اول- علنی بودن محاکمات: بر اساس اصل یکصد و پنجم: محاکمات علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافعی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل دوم- مستند بودن احکام دادگاهها:

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

(اصل ۱۶۴) بنابر این قاضی نمی تواند بدون استناد به موارد قانونی انشا حکم نماید.

اصل سوم- رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه:

رسیدگی به جرایم مزبور علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. اصل ۱۶۸

اصل چهارم- عدم عطف قوانین جزایی به ماسبق:

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود (اصل ۱۶۹)

زیرا فرض بر این است که در جامعه ای که نظم قضایی بر آن حاکم است، دولت هر عمل و اقدامی را که مضر به حال جامعه تشخیص دهد و مرتکب آن را مستحق مجازات بداند، به موجب قوانین جزایی آن را به اطلاع عموم می رساند.

شوراها

طبق دستور قرآن کریم (امر هم شوری بینهم) و (شاورهم فی الامر) شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند.

موارد طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می کند. (اصل ۷)

اصول و ضوابط حاکم بر شوراها

اصول و ضوابط حاکم بر شوراها یا بر ایجاد این نهادها یا بر تصمیمات آن ها و یا بر انحلالشان حاکم است که اینک مورد بحث قرار می گیرد:

الف- اصول و ضوابط حاکم بر ایجاد شوراها

۱- رعایت اصول وحدت ملی

۲- رعایت تمامیت ارضی

۳- رعایت نظام جمهوری اسلامی

۴- تابعیت حکومت مرکزی (اصل ۱۰۰)

ب- اصول و ضوابط حاکم بر تصمیمات شوراها

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد. (اصل ۱۰۵) استانداران فرمانداران بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند. (اصل ۱۰۳)

ج- اصول و ضوابط حاکم بر انحلال شوراهای
به موجب اصل یک صد و ششم: (انحلال شوراهای جز در صورت انحراف از وظایف قانونی
ممکن نیست.

مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراهای و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین
می کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه
موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

انواع شوراهای

بر اساس اصول قانون اساسی سه نوع شورا مقرر است:

۱- شوراهای اسلامی محلی: که همان شورای روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان می
باشد.

۲- شورای عالی استانها: که از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می شود. شورای
مزبور به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی
استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها تشکیل می گردد. و حق دارد در حدود وظایف
خود و امهائی تهیه و مستقیماً از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این
طرح ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

۳- شوراهای صنفی: به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد
هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از
نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری،
خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحد تشکیل میشود.

شورای عالی امنیت ملی

فصل سیزدهم قانون اساسی مشتمل بر یک اصل می باشد مربوط به نهاد مزبور است.

بند ۱- هدف از تشکیل شورای عالی امنیت ملی

تشکیل شورای مزبور به منظور تامین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی، پاسداری از
تمامیت ارضی و پاسداری از حاکمیت ملی می باشد.

بند ۲- وظایف شورای عالی امنیت ملی

- ۱- تعیین سیاستهای دفاعی امنیتی کشور در محدوده سیاستهای کلی تعیین شده از طرف مقام معظم رهبری
- ۲- هماهنگ نمودن فعالیتهای سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی
- ۳- بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی

بند ۳- اعضای شورای عالی امنیت ملی

- روسای قوای سه گانه (رییس جمهور- رییس قوه قضاییه - رییس مجلس)
- رییس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح
- مسئول امور برنامه و بودجه
- دو نماینده به انتخاب مقام رهبری
- وزیر امور خارجه، کشور و اطلاعات
- حسب مورد وزیر مربوطه و عالیترین مقام ارتش و سپاه

بند ۴- شوراهاى دفاعی

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهاى فرعى از قبیل شورای دفاعی و شورای امنیت کشور تشکیل می دهد. ریاست هر یک از شوراهاى فرعى با رییس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رییس جمهور تعیین می شود. ریاست شورای عالی امنیت ملی و اعتبار مصوبات آن ریاست شورای مزبور بر عهده رییس جمهور است و مصوبات شورا پس از تایید مقام رهبری قابل اجرا است.

شورای بازنگری در قانون اساسی

فصل چهاردهم قانون اساسی که مسمی بر یث اصل (۱۷۷) می باشد درباره نهاد فوق مقرراتی پیش بینی نموده است.

تعداد و ترکیب اعضای شورای نگهبان

- ۱- اعضای شورای نگهبان
- ۲- روسای قوای سه گانه
- ۳- اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری

۵- ده نفر به انتخاب مقام رهبری

۶- سه نفر از هیات وزیران

۷- سه نفر از قوه قضاییه

۸- ده نفر از نمایندگان مجلس

۹- سه نفر از دانشگاہیان

وظیفه شورای بازنگری

شورای مزبور با اصلاح و تکمیل موارد پیشنهاد شده از سوی مقام رهبری که طی حکمی خطاب به رییس جمهور اعلام می شود، مبادرت می کند.

آزادی های در قانون اساسی

آزادی یکی از عالیترین و افتخار آمیزترین موهبتهای الهی است که به انسان داده شده است و پیشوایان مذهب آن را تاسی دین بشمار آورده اند.

مونتسکیو مولف روح القوانین آزادی را به انجام دادن هر کاری که قانون اجازه داده تعبیر می کند بعضی دیگر در تعریف آزادی گفته اند آزادی عبارت است از مصون بودن فرد از اراده مستبدانه دیگران و یا آزادی وضع و موقعیتی است که اجبار جامعه و افراد را بر شخص به حداقل ممکن کاهش دهد و بعضی هم آزادی را به معنی مشارکت مردم در انتخابات اعضای قوه مقننه و نظارت بر اعمال قوه مجریه می دانند که از آن به آزادی سیاسی تعبیر میشود.

اقسام آزادی

آزادی دارای مصادیق فراوانی است که مهمترین آنها اقسام ذیل است:

۱- آزادی تن یا آزادی شخصی

۲- آزادی افکار و عقاید

۳- آزادی دینی و مذهبی

۴- آزادی مطبوعات و نشریات

۵- آزادی اجتماعات

۶- آزادی مدنی

۱- آزادی تن یا آزادی شخص

منظور از این نوع آزادی این است که تن اشخاص از هرگونه تملک و استثمار آزاد می‌باشد و هیچ کس و هیچ مقامی نمی‌تواند استثمار فرد می‌نماید. از این آزادی دو نتیجه می‌توان گرفت:

الف- منع تملک انسان و بردگی اعم از بردگی جسمی و یا فکری

ب- تحریم کار اجباری

۲- آزادی افکار و عقاید

الف- آزادی فکر و اندیشه: منظور از این نوع آزادی این است که هر فردی حق دارد درباره هر موضوعی که بخواهد فکر کند. ^{بروز} بولین آن که کسی حق داشته باشد، افکار و ادراکات او را موردکنترل قرار دهد و عواملی پدید آورد که منجر به اختناق فکری و مانع رشد ادراکات صحیح او گردد قانون اساسی ایران در بند ۴ از اصل سوم خود یکی از وظایف دولت را تقویت روح بررسی و شبیح و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان دانسته است.

ب- آزادی عقاید: در اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان بصرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

آزادی دینی و مذهبی

منظور از این آزادی آن است که مردم بتوانند به تشخیص خود به یکی از مذاهب یا ادیان بگردند و به آداب و رسوم آن دین یا مذهب عمل کنند.

در جمهوری اسلامی ایران طبق اصل ۱۲ قانون اساسی ایران در کنار دین رسمی یعنی اسلام ادیان قانونی: کلیمی، یهودی، زرتشتی از آزادی بهره مند و همچنین د رکنار مذهب رسمی یعنی شیعه، مذاهب اربعه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی، خمبلی) و مذهب زیریه که چهار امامی هستند، آزادند.

در جمهوری اسلامی ایران ادیان و مذاهب قانونی که نام آنها گذشت در سه چیز آزاد گذاشته شده اند:

۱- در انجام دادن مراسم مذهبی

۲- در تعلیم و تربیت

۳- در احوال شخصیه (منظور از احوال شخصیه ارث، وصیت، طلاق و نکاح است) البته رسیدگی به دعاوی مربوط به احوال شخصیه راجع به پیروان مذاهب قانونی بر طبق فقه خودشان در دادگاهها عمل میشود

آزادی مطبوعات و نشریات

یکی از ویژگیهای حکومتهای دموکراسی این است که چون ملت، هیئت حاکمه را منبعث از خود و مجری خواسته های خویش می داند، صلاح و فساد کارهای هیئت حاکمه را مربوط به خود، سربلندی و سرافکنندگی او را نیز مایه عزت و سرافکنندگی خود می داند. در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن آزاد گذاشتن مطبوعات و نشریات در بیان مطالب خود آنان را به رعایت مبانی اسلام و حقوق عمومی موظف دانسته است. (اصل ۲۴)

آزادی اجتماعات

از آنجا که لازمه یک حکومت مردمی گردهم آیی افراد در محل معینی برای تبادل نظر در مسائل سیاسی و اجتماعی می باشد. این است که در بند ۱ ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیتهای مسالمت آمیز تشکیل دهد. این معنی مورد تایید غالب قوانین اساسی کشورها از جمله قانون اساسی ایران می باشد. قانون مزبور در اصل بیست و هشتم و بیست و هفتم خود تشکیل احزاب و جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده را یا تشکیل اجتماعات و راهپیماییها را با چند شرط آزاد اعلام نموده است.